

حکایت سلطان محمود

تألیف مولانا جلال الدین محمد بلخی

مثنوی معنوی

دفتر نهم

بر اساس نسخه‌ی رینولد نیکلسون

انتشارات آندیا گستر

تهران - ۱۳۹۲

سرشناسه : مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۷۲۲ ق
عنوان قراردادی : مثنوی، برگزیده
عنوان و نام پدیدآور : حکایت سلطان محمود براساس نسخه ریوند
نیکسون/تألیف جلال الدین محمد بلخی
مشخصات نشر : تهران: آندیا گستر، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری : ۲۵۰ ص.
فروست : مثنوی معنوی؛ دفتر ششم
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۲۱-۱۴-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع : شعر فارسی - قرن ۷ ق
شناسه افزوده : نیکسون، رنالدین، ۱۸۶۸-۱۹۴۵ م. مصحح
رده بندی کنگره : ۱۳۹۲ PIR5۲۹۹/آ۱
رده بندی دیویی : ۸۱۳/۳۱
شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۶۶۲۱۶

فهرست

۱۳	 مقدمه
۱۵	 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
۲۰	 سؤال سائل از مرغی که بر سر رُخِ شهری نشسته باشد سر او
۲۳	 نکز هیدن ناموس‌های پوسیده را که مانع ذوق ایمان و دلیل
۲۵	 متاجرات و پناه جُستن به حق از فتنه‌ی اختیار و از فتنه‌ی
۲۷	 حکایت غلام هندو که به خداوند زاده‌ی خود پنهان هوا
۲۸	 صبر فرمودن خواجه مادر دختر را که غلام را رجز مکن من
۳۰	 در بیان آنکه این غرور تنها آن هندو را نبود
۳۲	 در عموم تأویل این آیت که کُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا يَلْخَظِبْ
۳۲	 قصه‌یی هم در تفسیر این
۳۳	 و! نمودن پادشاه به امر او و متعصبان در راه ایاز سبب
۳۴	 مدافعه‌ی امرا آن حجت را شبهه‌ی جبرایانه و جواب
۳۶	 حکایت آن ضیادی که خویشتن در گیاه پیچیده بود و دسته‌ی
۳۸	 حکایت آن شخص که دزدان قوچ او را بدزدیدند و بر
۳۸	 مناظره‌ی مرغ با صیاد در ترهّب و در معنی ترهّبی که
۴۱	 حکایت آن پاسبان که خاموش کرد تا دزدان رُخت

- ۴۲ حواله کردن مرغ گرفتاری خود را در دام به فعل و مکر
- ۴۴ حکایت آن عاشق که شب بیامد بر امید وعده‌ی معشوق بدان
- ۴۶ استدعای امیر ترک مخمور مطرب را به وقت صبح و تفسیر
- ۴۷ در آمدن طرب در خانه‌ی مصطفی صلی الله علیه و آله و گریختن عایشه ۲
- ۴۸ امتحان کردن مصطفی صلی الله علیه و آله عایشه را که چه پنهان می‌شوی
- ۴۹ حکایت آن مطرب که در بزم ترک این غزل آغاز کرد
- ۵۰ تفسیر قوله مَوْتُوا قُلْ اِنْ تَمُوتُوا تَمُوتُوا
- ۵۲ تشبیه مغفلی که عمر ضایع کند و وقت مرگ در آن تنگاتنگ
- ۵۴ نکته گفتن آن شاعر جهت طعن شیعی حلب
- ۵۴ تمثیل مرد حریص نابیننده رزاقی حق را و خرابین
- ۵۶ داستان آن شخص که بر در سرایی نیم شب سحوری می‌زد
- ۵۸ قصه‌ی أخذ أخذ گفتن بلال در حَرّ حجاز از صحبت
- ۶۱ بازگرداندن صدیق واقعه‌ی بلال را و ظلم جهودان
- ۶۳ وصیت کردن مصطفی ۶ صدیق را که چون بلال را
- ۶۵ خندیدن جهود و پنداشتن که صدیق مغیون است در این عقد
- ۶۷ معاتبه‌ی مصطفی صلی الله علیه و آله با صدیق که تو را وصیت کردم
- ۶۹ قصه‌ی هلال که بنده‌ی مخلص بود خدای را صاحب
- ۷۰ حکایت در تقریر همین سخن
- ۷۰ مثل
- ۷۱ رنجور شدن این هلال و بی‌خبری خواجه‌ی او از رنجوری
- ۷۲ در آمدن مصطفی صلی الله علیه و آله از بهر عیادت هلال در ستورگاه
- ۷۳ در بیان آنکه مصطفی صلی الله علیه و آله شنید که عیسی بر روی آب رفت

داستان آن عجوزه که روی زشت خویشتن را جُندَره	۷۵
داستان آن درویش که آن گیلانی را دعا کرد که خدا تو را	۷۶
صف آن عجوزه	۷۶
قصه‌ی درویش که از آن خانه هر چه می‌خواست	۷۶
رجوع به داستان آن کمپیر	۷۷
حکایت آن رنجور که طیب در او امید صحت ندید	۷۸
رجوع به قصه‌ی رنجور	۸۰
قصه‌ی سلطان محمود و غلام هندو	۸۳
لَيْسَ لِلْمَاضِيْنَ هَمٌّ الْمَوْتِ اِنَّما لَهُمْ خَسْرَةُ الْفَوْتِ	۸۶
بار دیگر رجوع کردن به قصه صوفی و قاضی	۸۷
طیره شدن قاضی از سیلی درویش و سرزنش کردن صوفی	۹۱
جواب دادن قاضی صوفی را	۹۱
سؤال کردن آن صوفی قاضی را	۹۳
جواب گفتن آن قاضی صوفی را	۹۳
باز سؤال کردن صوفی از آن قاضی	۹۵
جواب قاضی سؤال صوفی را و قصه‌ی تُرک و درزی را	۹۵
قال النبی ﷺ اِنَّ اللهَ يُلْقِي الْحِكْمَةَ عَلٰى لِسَانِ الْوَاعِظِيْنَ	۹۵
دعوی کردن تُرک و گرو بستن او که درزی از	۹۶
مضاحک گفتن درزی و تُرک را از قوت خنده بسته شدن	۹۷
گفتن درزی تُرک را هُی خاموش کن اگر مضاحک	۹۸
بیان آنکه بیکاران و افسانه‌جویان مثل آن تُرکند و عالم غرار	۹۹
مثل	۹۹

- باز مکرر کردنِ صوفی سؤال را. ۱۰۰
- جواب دادنِ قاضی صوفی را. ۱۰۰
- حکایت در تقدیر آنکه صبر در رنج کار سهل تر از صبر ۱۰۱
- مثل ۱۰۲
- باقی قصه‌ی فقیر روزی طلب بی واسطه‌ی کسب. ۱۰۴
- قصه‌ی آن گنج‌نامه که پهلوی قبه‌یی روی به قبله کن و ۱۰۸
- تمامی قصه‌ی آن فقیر و نشان جای آن گنج. ۱۰۹
- فاش شدن خبر این گنج و رسیدن به گوش پادشاه ۱۱۰
- نومید شدنِ آن پادشاه از یافتنِ آن گنج و ملول شدن ۱۱۰
- باز دادنِ پادشاه گنج‌نامه را به آن فقیر که بگیر ما. ۱۱۱
- حکایت مرید شیخ حسین خرقانی رحمته الله علیه ۱۱۴
- پرسیدن آن وارد از حرم شیخ که شیخ کجاست کجا حویم و ۱۱۵
- جواب گفتن مرید و زجر کردن مرید آن طعانه را از ۱۱۵
- واگشتن مرید از وثاق شیخ و پرسیدن از مردم و نشان ۱۱۸
- یافتنِ مرید مراد را و ملاقات او با شیخ نزدیک آن بیشه ۱۱۸
- حکمت در آتی جاعِل فی الْأَرْضِ خَلِیْفَةً ۱۱۹
- معجزه‌ی هود عليه السلام در تَخْلَص مؤمنان امت به وقت نزول باد ۱۲۱
- رجوع کردن به قصه‌ی قبه و گنج. ۱۲۴
- انابت آن طالب گنج به حق تعالی بعد از طلب بسیار ۱۲۶
- آواز دادنِ هاتف مر طالب گنج را و اعلام کردن از حقیقت ۱۲۸
- حکایت آن سه مسافر مسلمان و ترسا و جهود که به منزل ۱۳۰
- حکایت اشتر و گاو و قُح که در راه بند گیاه یافتند. ۱۳۳

۱۳۴	مثل
۱۳۵	جواب گفتنِ مسلمان آنچه دید به یارانش جهود و ترسا
۱۳۶	منادی کردن سید ملکِ یرمد که هر که در سه یا چهار روز به
۱۴۲	حکایت تعلق موش با چغز و بستنِ پای هر دو به رشته‌ی
۱۴۳	تدبیر کردن موش به چغز که من نمی‌توانم بر تو آمدن به
۱۴۴	مبالغه کردن موش در لابه و زاری و وصلتِ جُستن از
۱۴۶	لابه کردن موش مر چغز را که بهانه میندیش و در نسیه مینداز
۱۵۱	حکایت شب دزدان که سلطان محمود شب در میان ایشان
۱۵۵	قصه‌ی آنکه گاو بحری گوهر کاویان از قعر دریا برآورد شب
۱۵۶	رجوع کردن به قصه‌ی طلب کردن آن موش آن چغز رالب
۱۵۸	قصه‌ی عبدالغوث و ربودنِ پریان او را و سال‌ها میان
۱۶۰	داستان آن مرد که وظیفه‌ی داشت از محتسب تبریز و وام‌ها
۱۶۱	آمدن جعفر رضی الله عنه به گرفتن قلعه‌ی به تنهایی و مشورت کردن
۱۶۴	رجوع کردن به حکایت آن شخص وام کرده و آمدن او
۱۶۵	باخبر شدن آن غریب از وفات آن محتسب و استغفار او از
۱۷۰	مثل دو بین همچو آن غریب شهر کاش عمر نام که از یک
۱۷۱	توزیع کردن پایمرد در جمله‌ی شهر تبریز و جمع شدن اندک
۱۷۶	دیدن خوارزمشاه در سیران در موکب خود اسبی بس نادر
۱۷۸	مواخذی یوسف صدیق رضی الله عنه به حبس بضعِ بسین به سبب
۱۸۴	رجوع کردن به قصه‌ی آن پایمرد و آن غریب و امدار و
۱۸۵	گفتنِ خواجه در خواب به آن پایمرد وجوه وام آن دوست را
۱۸۷	حکایت آن پادشاه و وصیت کردن او سه پسر خویش را

- ۱۸۸ بیان استمداد عارف از سرچشمه‌ی حیات ابدی و مستغنی
- ۱۹۰ روان شدن شهزادگان در ممالک پدر بعد از وداع
- ۱۹۳ رفتن پسران سلطان به حکم آنکه آنسان خریص علی ما مَنیع
- ۱۹۶ دیدن ایشان در قصر این قلعه‌ی ذات الصور نقش روی دختر
- ۱۹۸ حکایت صدر جهان بخارا که هر سائلی که به زبان بخواستی از
- ۲۰۰ حکایت آن دو برادر یکی کوسه و یک امرد در عزب‌خانه‌یی
- ۲۰۲ در تفسیر این خبر که مصطفی ص فرمود مَنهومان لایشبنعان
- ۲۰۲ بحث کردن آن سه شهزاده در تدبیر آن واقعه
- ۲۰۳ مقاتل برادر بزرگین
- ۲۰۴ ذکر آن پادشاه که آن دانشمند را به اکراه در مجلس آورد و
- ۲۰۷ روان گشتن شاهزادگان بعد از اتمام بحث و ماجرا به
- ۲۰۷ حکایت امرء القیس که پادشاه عرب بود و به صورت عظیم به
- ۲۱۱ بعد مکث ایشان متواری در بلاد چین در شهر تخت‌گاه و بعد
- ۲۱۶ بیان مجاهد که دست از مجاهده باز ندارد اگر چه داند بسطت
- ۲۱۸ حکایت آن شخص که خواب دید که آنچه می‌طلبی از یسار
- ۲۱۹ سبب تأخیر اجابت دعای مؤمن
- ۲۲۰ رجوع کردن به قصه‌ی آن شخص که به او گنج نشان
- ۲۲۱ رسیدن آن شخص به مصر و شب بیرون آمدن به کوی از بهر
- ۲۲۲ بیان این خبر که الْكَذْبُ رِبَّةٌ وَالصَّدْقُ طُمَأْنِينَةٌ
- ۲۲۴ مثل
- ۲۲۵ بازگشتن آن شخص شادمان و مراد یافته و خدای را
- ۲۲۷ مکرر کردن برادران پند دادن بزرگین را و تاب ناآوردن او

۲۳۰	مفتون شدن قاضی بر زن جوچی و در صندوق ماندن و نایب
۲۳۱	رفتن قاضی به خانه‌ی زن جوچی و حلقه زدن
۲۳۲	آمدن نایب قاضی میان بازار و خریداری کردن
۲۳۴	در تفسیر این خبر که مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ
۲۳۵	باز آمدن زن جوچی به محکمه‌ی قاضی سال دوم بر
۲۳۷	باز آمدن به شرح قصه‌ی شاهزاده و ملازمت او در
۲۳۸	در بیان آنکه دوزخ گوید که قنطردی صراط بر سر اوست ای
۲۳۹	متوقی شدن بزرگین از شهزادگان و آمدن برادر میانین به
۲۴۵	وسوسه‌یی که پادشاهزاده را پیدا شد از سبب استغنائی و
۲۴۷	خطاب حق به عزرائیل که تو را رحم بر که بیشتر
۲۴۸	کرامات شیخ شیبان راعی رَضِیَ اللهُ عَنْهُ
۲۴۹	رجوع کردن به قصه‌ی پروردن حق تعالی نمرود
۲۵۰	رجوع کردن بدان قصه که شاهزاده زخم خورد از
۲۵۱	وصیت کردن آن شخص که بعد از او برد مال مرا
۲۵۲	مثل

مقدمه

مجلد ششم از دفترهای مثنوی و بیّنات معنوی که مصباح ظلام و هم و شبهت و خیالات و شک و ریبیت باشد و این مصباح را به حسن حیوانی ادراک نتوان کردن؛ زیرا مقام حیوانی اسفل السافلین است که ایشان را از بهر عمارت، صورت عالم اسفل آفریده‌اند و بر حواس و مدارک ایشان دایره‌یی کشیده‌اند که از آن دایره تجاوز نکتند.

ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ؛ یعنی مقدار رسیدن عمل ایشان و جولان نظر ایشان پدید گردد؛ چنان که هر ستاره را مقداری است و کارگاهی از فلک که تا آن حد عمل او برسد و همچون حاکم شهری که حکم او در آن شهر نافذ باشد، پس در و رای آن توابع آن شهر او حاکم نباشد، عَصَمْنَا اللَّهُ مِنَ الْخَبَرِ وَ خُتْمِهِ وَ مَا حَاجِبَ بِالْمَحْجُوبِينَ، آمین یا رَبُّ الْعَالَمِينَ.